

مشک ختن

همانا که در فارس انشاء من
چو مشکست بی قیمت اندر ختن

ما چینی‌ها اگر مروری در دیوان‌های شعر فارسی بکنیم تعجب خواهیم کرد که مشک ختن بر خلاف چین در ایران چقدر زبانزد و مشهور است! در ایران اصطلاح «مشک به ختن بردن» بمعنی «کار نابجا کردن» بوده است. در ادبیات فارسی حتی از آهوی مشک به عنوان آهوی ختن یاد شده است. ایران از کشورهای مشک خیز نیست، اما از منابع چینی که در دوره سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷ میلادی) نگاشته شده چنین برمی‌آید که ایرانیان در دوره ساسانی از مشک استفاده می‌کردند. در مراسم دینی زرتشتی مشک را با عطرهای دیگر آمیخته می‌کردند و سر و روی خود را با آن معطر می‌ساختند تا با جسم پاک و خوشبوی به نیایش پردازند.

پس مشک که تا بدین حد از دیرباز مورد پسند ایرانیان بوده است چه ماده‌ای است و با ختن چه ارتباطی دارد؟

۱- مشک چیست؟

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشک ماده‌ای است بسیار معطر و گرانبها و کمیاب و در عطر سازی و دارو سازی به کار می‌رود. این ماده از آهوی مشک بدست می‌آید. آهوی مشک از آهوی معمولی کوچکتر است و شاخ ندارد. بدنش برنگ قهوه‌ای، دستها از پاها کوتاهتر و دودندان نیش آن کج و از دهن برآمده است. بین ناف و تخمگاه آهوی نر غده‌ای است که مشک ترشحات آن است. مشک تازه برنگ قهوه‌ای مایل به سیاه و به شکل لزوج و خمیرگونه روغنی است. در حالت خشک شده برنگ قهوه‌ای تیره و بشکل ساییده و لخته‌های شکننده درمی‌آید. شکل کامل کیسه مشک (نافه) گرد است و قطر آن به ۳ تا ۵ سانتیمتر و وزنش به حدود سی گرم می‌رسد.

آهوی مشک حیوانی است رمنده و دارای بینایی و بویایی و شنوایی قوی. در جنگل‌های کوهستانی زیست می‌کند و برگ درخت و علف و میوه وحشی می‌خورد. معمولاً روز در نهانگاه می‌خوابد و در صبحدم و غروب به گشت و چرا می‌پردازد. در سرزمین چین سه نوع آهوی مشک موجود است. یکی بنام آهوی مشک اصلی، دوم آهوی مشک اسبی و سوم آهوی مشک جنگلی. آهوی مشک اسبی از همه بزرگتر است و آهوی مشک جنگلی از همه کوچکتر. آهوی مشک اصلی بیشتر در استان‌های شمال شرقی چین زندگی می‌کند، آهوی مشک اسبی بیشتر در استان‌های شمال غربی و جنوب غربی، آهوی مشک جنگلی در استان‌های شمال غربی، جنوب غربی و شمالی و مرکزی چین.

دولت چین برای حفاظت آهوی مشک و سایر حیوانات کمیاب قانونی گذرانده تا مردم به آنها زیان نرسانند. کارشناسان هم موفق شده‌اند در پرورشگاه‌ها آهوی مشک را اهلی کنند.

چین از کهن‌ترین و مهم‌ترین کشورهای مشک خیز جهان بشمار می‌آید. نزدیک به دوهزار سال پیش چینی‌ها از مشک در عطرقگیری و داروسازی استفاده می‌کردند. در «شن نونگ بن تسائو جینگ» (Shennong Bencaojing) قدیمترین کتاب دارونامه دنیا که در سلسله هان (از سال ۲۰۶ قبل از میلاد تا سال ۲۲۰ بعد از میلاد) تألیف شده دربارهٔ مشک چنین آمده است: مشک طعم تند و گرم دارد. چیزهای زیانمند و خواب پریشان را دفع می‌کند. داروشناسان دوره‌های بعد اطلاعات بیشتری راجع به مشک بر آنچه در این کتاب آمده افزوده‌اند چنانکه امروز مردم بطور کامل و دقیق آن را می‌شناسند. بغیر از کتاب‌های پزشکی و داروسازی در کتاب‌های تاریخی و جغرافیائی و تذکره‌ها نیز گهگاه مطالبی دربارهٔ مشک نقل شده است.

پیشینیان در چین مشک را به سه گونه تقسیم کرده بودند. نخست آن که در فصل بهار در نافهٔ آهو (کیسهٔ مشک) انباشته شده. بر اثر درد و خارش ناشی از آن آهو با سم خود مشک را از کیسه دفع می‌کند. بوی و تأثیر این قسم مشک بسیار قوی است و جایی که افتاده باشد گیاه پیرامون آن نمی‌روید. این بهترین نوع مشک بشمار می‌رفت و قیمت آن با مروارید برابر بود. دوم آن که پس از شکار آهوی مشک، نافه را بریده جدا می‌ساختند. این قسم مشک نیز ممتاز است. سوم مشک بود که از اسپرز و جگر لاشهٔ آهوی مرده بدست می‌آوردند. این ماده نیز بوی خوش می‌داد و کاربرد داشت، ولی عطر و اثر آن کم بود. امروز در چین کارشناسان باروش دیگری مشک را بدست می‌آورند. در پرورشگاه هر سال به هنگام پر شدن نافهٔ آهوی نر از مادهٔ مشک، متخصصان با قاشقک مخصوصی مشک را از کیسه درمی‌آورند. این کار معمولاً هر سال یک تا دو بار در روزهای خنک تابستان انجام می‌شود و به آهوی مشک زبانی نمی‌رسد.

گفته‌اند در باغ سلطنتی سلسلهٔ تانگ آهویی بنام آهوی مشک روان (مابع) پرورش داده می‌شد. نافهٔ این آهو پر از آبی می‌شد از مشک معمولی بویاتر. اگر قطره‌ای از آن را در یک سطل آب می‌ریختند و با آن رخت می‌شستند، آن لباس تا وقتی هم که فرسوده و کهنه می‌شد باز سخت معطر و خوش رایحه بود، اما بعدها از این نوع آهوی مشک ذکری در میان نیامده است. در زمان قدیم بخصوص در قرن سوم و چهارم میلادی در میان طبقهٔ اشراف کاربرد مشک رایج بود. آنان در زندگی روزانه از چیزهایی مانند بالش، کیسهٔ مشک آگین، مرکب تحریر و بندجامه که با مشک آغشته می‌شد استفاده می‌کردند.

۲- مشک در منابع ایران

به طور دقیق نمی‌دانیم مشک چین در چه زمان وارد ایران شد، اما مدارک تاریخی چینی اشاره کرده است که ایرانیان در دورهٔ ساسانی در مراسم دینی از مشک استفاده می‌کردند. غیر ممکن نیست که این مشک را از چین وارد کرده باشند. یکی از مورخان ارمنی در قرن پنجم میلادی نوشته است که مشک از محصولات چین است. با توجه به روابط ارمنستان و ایران در عصر ساسانی، می‌توان گفت که ساسانیان در قرن پنجم نیز مشک چین را می‌شناختند و حتی آنرا از چین به ایران می‌آوردند.

اطلاعات ایرانیان راجع به مشک در کتابهای زیادی دیده می‌شود، مثلاً در رسالهٔ فی اصول الطیب و المركبات العطره تألیف ابن مندویهٔ اصفهانی در قرن چهارم هجری، عطرنامهٔ علائی، قانون ابن سینا، کتاب الاثنیه عن حقایق الادویهٔ ابو منصور هروی، ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف اسماعیل چرجانی، مخزن الادویه تألیف عقلی خراسانی، تسوخننامهٔ ایلخانی تألیف نصیرالدین طوسی و تقریباً همهٔ کتابهای داروشناسی و منابعی که دربارهٔ کالاهای منسوب به شهرها و کشورها نوشته شده، هم چنین در

فرهنگ‌های فارسی و عربی هم غالباً اطلاعاتی دربارهٔ مشک آمده است. از آنجا که آهوی مشک در سرزمین ایران وجود ندارد، ایرانیان تصور دقیقی از شکل آن نداشتند. حتی نمی‌دانستند که آهوی مشک شاخ ندارد. بعضی از نویسندگان حتی شاخ نداشتن آهوی مشک را چنین توصیف کرده‌اند. «شاخ آن سید و منحنی که بدنبالهٔ او می‌رسد و در آن سوراخها دارد که استنشاق هوا به آن می‌کند.» (فرهنگ آند راج، مادهٔ مشک)

مشک را عموماً از دو راه وارد ایران می‌کردند. یکی راه شمالی یعنی از چین (ختا) و ترکستان (آسیای مرکزی) و تبت، دیگری راه جنوبی یعنی از هندوستان و نیال و کشمیر. مؤلف مخزن الادویه گفته است: «مشک، در کوهستان چین و خطا و تبت و ترکستان و کوت کانکرا که نکرکوت می‌گفته‌اند در قدیم الایام و کوهستان بهرایج و نیپال و مورنگ و رنگ پور و غیره که همه آن کوهستان‌ها بهم پیوسته‌اند بهم می‌رسد و در هر سرحد بلدی و مملکتی و شهری از مواضع قریبه با کوهستان می‌آوردند. مثلاً... در بنگاله از کوهستان مورنگ و رنگپور و نیپال و در ایران و خراسان و روم از چین و خطا و تبت هم از راه دریا و هم از خشکی می‌آوردند.» ایرانیان مشک چین و ترکستان و تبت را از مشک هندوستان و نیپال بهتر می‌دانستند.

ایرانیان از ملت‌های عطر دوست هستند. آنان در عطرسازی با مشک و در تشخیص ناخالصی و غش مشک تجربه و تخصص زیاد داشته‌اند.

۳- ارتباط مشک با ختن

ختن در جنوب غربی استان سین جیانگ (سنجان) واقع است و از دیرباز به صدور یشم و تولیدات ابریشمی معروف بوده است. با آنکه در منابع ایرانی امتیاز ختن در داشتن آهوان مشکین و نافهٔ ختن و صدور مشک از آنجاست و همین ارتباط مشک با ختن موجب شهرت آن در دنیای قدیم شده که حافظ می‌گوید: «مژدگانی بده ای خلوتی نافه گشای / که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد.» جای شگفتی است که در هیچ کتابی از منابع چینی به صدور مشک از ختن و مشک خیزی آنجا اشاره نشده، حتی کتاب تاریخچهٔ ختن (Hetian Xiangtuzhi) هم که حاکم ختن در سال ۱۹۰۹ میلاد تألیف کرده و همهٔ محصولات ختن بطور دقیق در آن ثبت شده خالی از ذکر مشک است.

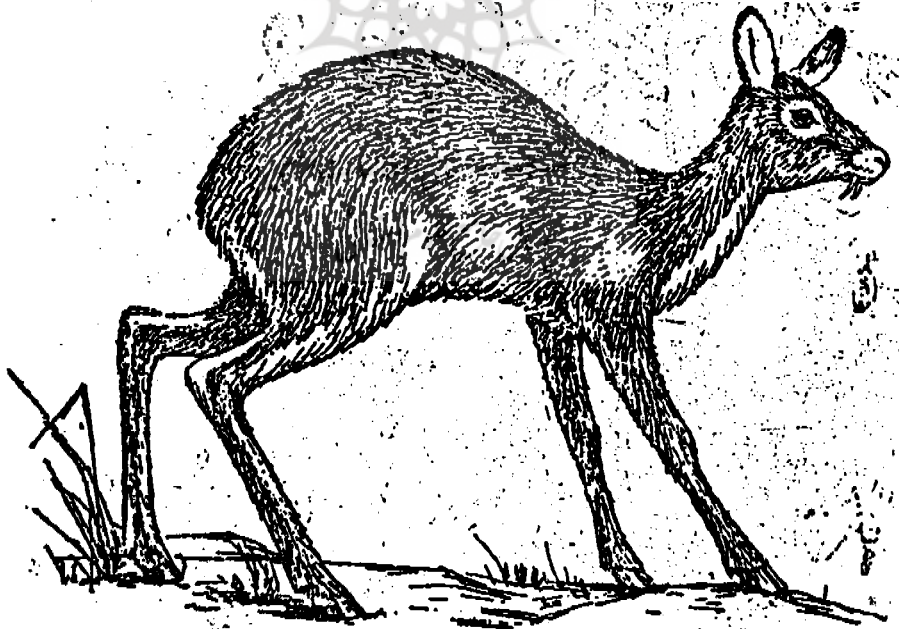
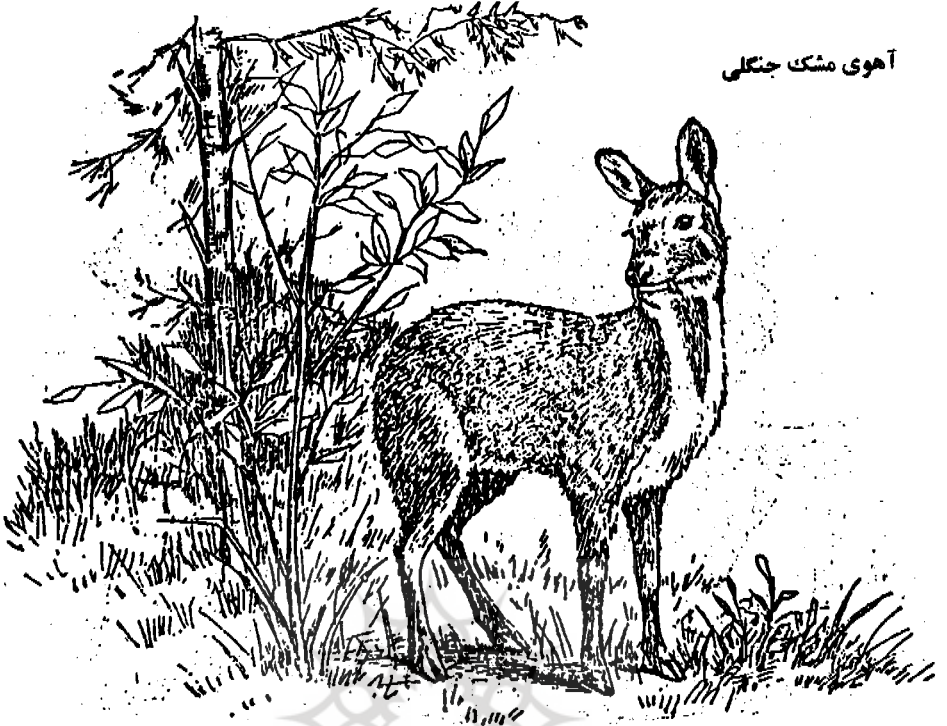
پس چرا ختن به صدور مشک شهرت یافته است؟

طبق «مجموعهٔ حیوانات دارویی چین» و «جغرافی شمال غربی چین»، جنگل‌های کوه‌های کونلون (Kunlun) که سرحد استان سین جیانگ (سنجان) و تبت است، از زیستگاه‌های بسیار مهم آهوی مشک است. با وجود اینکه در هیچیک از منابع چینی به مشک خیزی ختن اشاره نشده است، چون ختن در دامن شمالی کوه‌های کونلون واقع است، غیرممکن نیست که در اطراف آنجا آهوان مشک می‌زیسته‌اند.

اما علتی مهمتر نیز هست. همانطوریکه می‌دانیم از قرن دوم قبل از میلاد به بعد به سبب وجود جادهٔ ابریشم، چین با کشورهای آسیای مرکزی و هند و ایران و روم رفت و آمدی روزافزون پیدا کرده بود. اتفاقاً چند زیستگاه مهم آهوی مشک مانند کوه‌های کونلون (Kunlun)، کوه‌های نان شان (Qilianshan) یعنی (Nanshan)، کوه‌های چین لینگ (Qinling) و کوه‌های خنلن (Helanshan) و غیره در اطراف جادهٔ ابریشم به کشورهای غربی چین مانند ایران و روم صادر می‌شد. چون ختن از مهم‌ترین شهرهای جادهٔ ابریشم بود، کالاهای تجارتمی معمولاً نخست در این شهر جمع می‌شد بعد به نواحی غربی مختلف صادر می‌گردید. وضع صدور مشک همینطور بود، چون مشک بیشتر از راه ختن وارد ایران می‌شد، ایرانیان آنرا مشک ختن می‌خواندند و کم‌کم گمان می‌کردند که ختن زیستگاه آهوی مشک است.

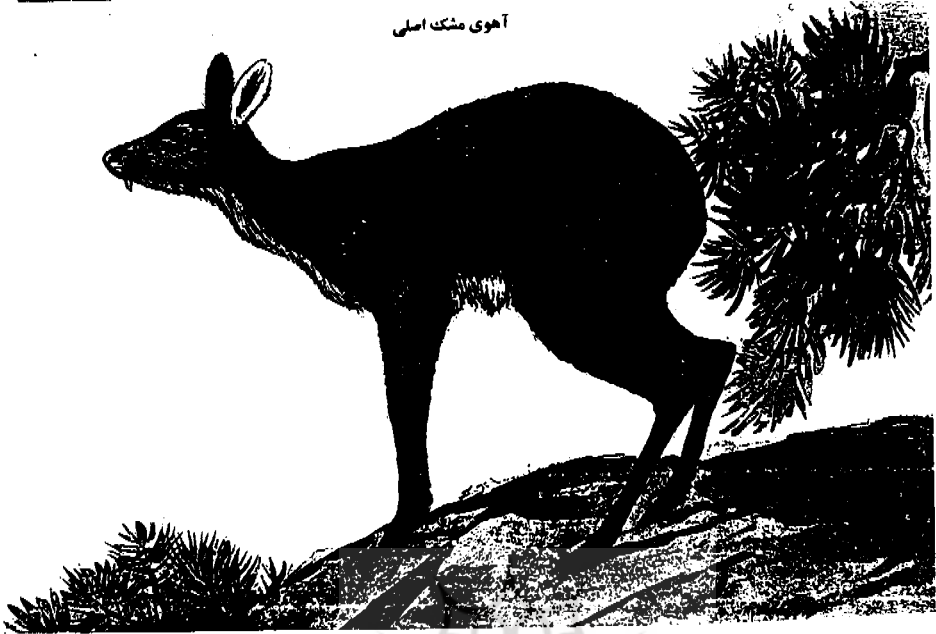
مشک‌هایی که از نواحی اطراف جادهٔ ابریشم صادر می‌شد اغلب توجه مسافران را به خود جلب می‌کرد. مارکو پولو جهانگرد معروف ایتالیایی در قرن سیزدهم میلادی از راه ختن به شمال چین آمد و در

آهوی مشک جنگلی



آهوی مشک آسی

آهوی مشک اصلی



استان های گن سو (Gansu) و چینگ های (Qinghai) مشک فراوان دید، آنرا پسندید و یک سر و یک پای خشک کرده آهوی مشک را با خود به ونیز برد. علی اکبر خطایی نیز در کتاب خطای نامه از مشک این نواحی تعریف کرده است.

در زمان قدیم مشک چین عموماً بواسطه بازرگانان عطر به کشورهای خارجی صادر می گردید، گاهی نیز به وسیله سفیران به پادشاهان کشورهای دیگر هدیه می شد.

مشک ختن مثل دیا و پرنیان و چای و دارچین از معروفترین و پسندیدهترین محصولات چین نزد ایرانیان است.

رتال جان قندیل عمر*

در فصل گل، خزان غم انگیز دیده ام
برپای لخت چرخش مهمیز دیده ام
بالای سر دو دشته خونریز دیده ام
از ناودان حافظه سرریز دیده ام.
اندر کنار پیکر پرویز دیده ام
بر گور خویش شمع شب آویز دیده ام
تنها به خواب، خواب دل انگیز دیده ام
آری «زمانه» را چه طرب خیز دیده ام
من در بهار جلوه پائیز دیده ام
محمد شفیعی

من در بهار جلوه پائیز دیده ام
دست فُسرده را به سربال اسب عمر
شب تا سحر به یاد دو ابروی یار خویش
در کهکشان شیری شب بس زلال شعر
من سُم زنان تأسف شب دیز مست را
قندیل عمر شد تهی از چلچراغ شوق
جز غم نبود حاصل هفتاد سال عمر
احساس ناب من همه از شعر «احمدی» است
او جلوه بهار به پائیز دیده است